

تحلیل اقتصادی عقود مضاربه و مشارکت در چارچوب بانکداری اسلامی نابرابری اطلاعاتی و کاهش کارایی

محمود باقری *

مصطفی بستانی **

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۸

چکیده

با گذشت نزدیک به نیم قرن از آغاز فعالیت بانکداری اسلامی، شاید امروز زمان مناسبی برای ارزیابی عملکرد این نظام باشد. در مدل فعلی بانکداری اسلامی، برای حذف بهره‌ی بانکی و دوری از شبهه‌ی شرعی ربا، ایده‌ی مشارکت در سود و زیان مطرح شده و برای اجرای این ایده، از دو عقد مدنی مضاربه و مشارکت استفاده می‌شود. این تغییر و تحولات که در بی‌اعتنایی به کارکرد نظام اقتصادی و پولی مدرن و نقش بانک‌ها در این نظام صورت گرفته، برای این دو عقد مدنی متعلق به نظم اقتصادی قدیم، وظیفه‌ای در نظر گرفته که تحمل آن از عهده‌ی توانایی‌ها و ظرفیت این عقود خارج است. به باور بسیاری از طرف‌داران اقتصاد اسلامی، این مدل نتوانسته در عمل موفق شود و اصول مبنایی خود را به اجرا درآورد. در این تحقیق تلاش می‌کنیم علل این ناکامی را با استفاده از ادبیات تحلیل اقتصادی حقوق جست‌وجو نماییم.

کلیدواژه‌گان: عقود مضاربه و مشارکت، بانکداری اسلامی، مشارکت در سود و زیان، تحلیل اقتصادی حقوق، نابرابری اطلاعاتی، کارایی.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

mahbagheri@ut.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق تجاری و اقتصادی بین‌المللی دانشگاه تهران.

mstf.bostani@gmail.com

مقدمه

از منظر فلسفه حقوق قراردادهای چارچوب‌های مورد قبول یک نظام هنجاری در تقسیم ریسک‌ها و مزایای یک قرارداد، قاعدتاً بایستی عادلانه و کارآمد باشد. قواعد عمومی عقود معین و نیز احکام اختصاصی شراکت و سرمایه‌گذاری که در عقود مثل مشارکت و مضاربه تبلور یافته‌اند، با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و ساختاری جوامع سنتی گذشته متضمن مقررات عادلانه و منصفانه بوده‌اند لیکن با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و ساختاری جوامع جدید استفاده از چنین چارچوبی می‌تواند ناقض اهداف هنجاری باشد که در گذشته این چارچوب‌های حقوقی را مورد تنفیذ و تأیید قرار داده است. حقوق قراردادهای، از جمله حقوق قراردادهای سرمایه‌گذاری شامل قواعد اصلی و تکمیلی است که هر دو گروه اعتبار خود را از یک نظام هنجاری عالی‌تر دریافت می‌کنند که اساس آن برقراری عدالت میان دو طرف قرارداد است. اموری مانند این که موضوع مضاربه باید وجه نقد باشد، یا لزوم و جواز این عقد و یا این که مضارب نبایستی ضمانت از سرمایه کند به خودی خود اصالت و اعتباری ندارند و بایستی در نهایت تأمین‌کننده‌ی اهداف آن نظام هنجاری باشند که به آن‌ها امتیاز داده است. بازبینی روابط بین قواعد حقوق قراردادهای ارزش‌ها و اهداف آن نظام هنجاری اعلی بایستی مکرر رخ دهد، تا تغییر شرایط بیرونی که بستر اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری یا تنفیذ آن چارچوب‌ها بوده‌اند موجب ناکارآمدی این قالب‌ها نگردد. در غیر این صورت با وضعیتی روبه‌رو خواهیم شد که این قراردادهای عملاً کاربردی در جوامع مدرن نخواهند داشت، و اصرار بر اجرای آن‌ها بدون توجه به این الزامات، ناقض عدالت اقتصادی و موجب اتلاف منابع و کاهش کارایی است. آن‌چه هم‌اکنون در رویه‌ی حداقل بانک‌های ایران متداول است، با آن‌چه در کتب فقهی از مضاربه بحث می‌شود، تنها در لفظ مشترک است. واقعیت این است که حقوق عرفی، نوع جدیدی از مضاربه را تأسیس کرده که مثلاً ضمانت مضارب از سرمایه و لزوم عقد را در آن داخل کرده و بانک را از مشارکت در مخاطرات و ریسک‌های مضاربه دور نموده است. این اقدام عرفی و عملی و تأسیس شکل جدیدی از مضاربه خود دلیل ناکامی نظام سنتی مورد تأیید شرع است که عملاً در جوامع جدید و با ساختار اقتصادی جدید کاربردی ندارد و استفاده از آن می‌تواند نتایج ظالمانه‌ای در پی داشته باشد. استفاده از ساختارهای سنتی مضاربه در جامعه‌ای که اطلاعات بین مضارب و مالک تقریباً

متقارن بوده و حداقل شکاف اطلاعاتی عظیمی به لحاظ ساختاری نمی‌توانسته وجود داشته باشد، نتایج عادلانه‌ای به بار می‌آورده است، لیکن در یک ساختار اقتصادی با بازی‌گرانی که دارای اطلاعات نامتقارن هستند این چارچوب حقوقی نمی‌تواند عدالت قراردادی را تأمین و کارایی اقتصادی را افزایش دهد.

بانکداری پدیده‌ای است مدرن که گسترش آن هم‌زمان با آغاز سرمایه‌داری جدید بوده است. بر همین اساس، اصول نظام اقتصادی اسلام و نیز پارادایم حقوق خصوصی و عقود معین، که قرن‌ها پیش از گسترش بانکداری مدرن شکل گرفته، حاوی آموزه‌های روشن و مستقیمی برای بانکداری نیست. روش‌شناسی مدل فعلی استنباط اسلامی در امور اقتصادی و بانکداری که بر مبنای نظام عقود معین بنا شده و در چارچوب حقوق خصوصی عمل می‌کند، بر آن است که به مشکلات و نیازهای امروز اقتصادی مسلمین نیز با مراجعه به قواعد و احکام سنتی حقوق خصوصی و بدون بذل توجه کافی به تفاوت نظم سنتی اقتصاد با ساختارها و روابط نهادهای اقتصادی دنیای مدرن پاسخ دهد. به اعتقاد برخی منتقدین، طرح عقود معین و روش‌شناسی مربوط به آن، سازوکاری برای کاهش هزینه‌ی معاملاتی و تنظیم اقتصاد در دوران ماقبل مدرن بوده است. با گسترش فناوری‌های جدید و تحولاتی که در بستر انجام فعالیت‌های اقتصادی مدرن به وجود آمده، از جمله سامان‌دهی اقتصاد بر مبنای فعالیت شرکت‌های تجاری و نه افراد حقیقی، امکان انعقاد قراردادهای بی‌شمار در زمانی کوتاه و از راه‌های دور، دسترسی به نظام دادگستری سراسری و وجود قوانین یکسان و... این هزینه‌ها امروز تا حدود زیادی کاهش یافته‌اند. بر این اساس، روش‌شناسی مبتنی بر عقود معین که در نبود این تحولات منشاء خدمات فراوانی بوده امروز دیگر کارایی و سازگاری و انسجام لازم را ندارد.^۱

بانکداری اسلامی مشارکتی که فعالیت خود را بر اساس عقود مدنی مضاربه و مشارکت بنا نموده است، در عمل نتوانسته انتظارات صاحب‌نظران اسلامی را برآورده سازد و مورد انتقادات فراوان

¹ El-gamal, Mahmoud A. "Incoherence of Contract-based Islamic Financial Jurisprudence in the Age of Financial Engineering", Wisconsin International Law Journal, Vol. 25, No. 4, 2008, p. 618.

واقع شده است.^۱ منتقدان بیان می‌کنند که مدل فعلی بانکداری اسلامی نتوانسته به اصول ادعایی خود پای‌بند باشد و عملاً تنها به نوعی ظاهرسازی دست زده است.^۲ برای مثال با بررسی عملیات بانکی اعطای تسهیلات مشارکتی یعنی مضاربه و مشارکت در بانک‌های ایران، به سادگی درمی‌یابیم که در عمل و برخلاف اصول این دو عقد، بانک‌ها اقدام به تثبیت قرارداد و تضمین سود بازگشتی خود با نرخ ثابت می‌نمایند، یعنی عملاً هیچ مشارکتی با گیرنده تسهیلات ندارند. رویه‌ی اجرایی عقد مضاربه در بانک‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها تعهد به وسیله‌ی مضارب را، به تعهد به نتیجه تبدیل کرده‌اند و برای این منظور اقدام به اخذ وثیقه‌های گوناگون می‌کنند و در نهایت تمامی ریسک‌ها را به طرف گیرنده تسهیلات منتقل می‌کنند و خود اقدام به دریافت سود با نرخ معین و ثابت می‌نمایند. در واقع اجرای این عقود به شکل سنتی آن‌ها برای بانک‌ها میسر نیست.

نگاهی به قراردادهای موجود که مورد استفاده‌ی بانک‌ها قرار می‌گیرد، حکایت از یک اغتشاش در اهداف و بی‌نظمی در طراحی یک قرارداد منصفانه و عادلانه دارد و آن‌چه باعث تداوم استفاده از آن‌ها شده است اعتبار اقتصادی بانک‌ها و نیاز به سرمایه از سوی متقاضیان است. نکته‌ی جالب توجه در این میان نقش رویکرد حقوقی موجود در تنظیم این قراردادهاست. دانش حقوقی موجود به شیوه‌ای اقدام به تنظیم این قراردادها می‌کند که پاسخ‌گوی نیازهای عملی بانک‌ها که برآمده از ضرورت‌های بانکداری مدرن است باشد و در عین حال با ظواهر این عقود نیز در تعارض آشکار نباشد. در واقع رویکرد حقوقی موجود، با استفاده از امکانات حقوق خصوصی و قراردادی سنتی، به شکلی این قراردادها را جرح و تعدیل می‌کند که انتظارات بانک‌ها برآورده شود ولی همچنان بتوان نام مضاربه یا مشارکت را بر این قراردادها نهاد. اما این تغییر و تحولات در بی‌اعتنایی به اهداف و ارزش‌های آن نظام هنجاری برتر صورت می‌گیرد که اساس آن تأمین عدالت در قراردادهاست. دانش حقوقی، نمی‌تواند بدون شناخت اهداف و عملکرد و محتوای اقتصادی این عقود، و نیز شناخت ماهیت نظام بانکی مدرن و اقتضات آن، و صرفاً با اتکا به

^۱. Nomani, Farhad, "The Problem of Interest and Islamic Banking in A Comparative Perspective: the Case of Egypt, Iran and Pakistan", Review of Middle East Economics and Finance, Vol. 1, No. 1, 2003, p. 62.

^۲. El-gamel, op. cit., p. 611.

تکنیک‌ها و ابزارهای حقوق سنتی، قراردادهای بانکی تنظیم کند که هم تأمین‌کننده‌ی عدالت باشند و هم از کارایی اقتصادی برخوردار.

پیش از پرداختن به مطالب دیگر، تذکر این نکته ضروری است که نقد و بررسی عقود مضاربه و مشارکت در بانکداری اسلامی، تنها بررسی انتقادی برداشت فعلی از بانکداری اسلامی است. بدیهی است این نوشتار راجع به اصل امکان‌آیند یک نظام بانکداری بر اساس آموزه‌های اقتصادی اسلام، سلباً و ایجاباً بحث نمی‌کند، و صرفاً در پی نقد برداشت فعلی است؛ هرچند بررسی نظری این امکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و انتظار می‌رود پیش از پرداختن به شیوه‌های اجرایی، قبلاً مباحث نظری به قدر کفایت طرح شده باشند.

قسمت اول: آشنایی با بانکداری اسلامی و اصول آن

۱- معرفی اقتصاد و بانکداری اسلامی

در اواسط قرن بیستم میلادی شاهد ظهور ادبیاتی تحت عنوان اقتصاد اسلامی^۱ بودیم. اهداف اعلام شده‌ی این ادبیات اقتصادی، آن‌طور که بیان شده، شناسایی و تأسیس نظامی اقتصادی است که با آموزه‌های قرآن و سنت‌های اسلامی سازگار باشد.^۲ امروزه هزاران کتاب و مقاله و جزوه به زبان‌های گوناگون در دسترس است که بیان می‌کنند در یک اقتصاد اسلامی نقاط قوت و محسنات نظام سرمایه‌داری و نظام سوسیالیسم وجود دارد، در حالی که از نقاط ضعف و کاستی‌های آن‌ها خبری نیست. تا سال‌ها اقتصاد اسلامی تنها تمرینی فکری برای اصحاب آن باقی ماند.^۳

بر این اساس اقتصاد اسلامی پدیده‌ی نسبتاً جدیدی است. اولین بار سیدابوالعلاء مودودی، اقتصاددان پاکستانی در دهه ۱۹۴۰ میلادی تلاش نمود با طرح اقتصاد اسلامی، اقتدار از دست رفته‌ی دنیای اسلام را در مقابل غرب احیا نماید. در آن زمان سیستم‌های مالی و بانکی کشورهای اسلامی به عنوان بخشی از میراث دوران استعمار، تحت تأثیر نظام مالی و بانکی

^۱ - Islamic Economics

^۲ Usmani, Mufti Muhammad Taqi, "An Introduction to Islamic Finance", Karachi, 1998, p. 16.

^۳ Kuran, Timur, "Islamic Economics and the Islamic Subeconomy", the Journal of Economic Perspectives, Vol. 9, No. 4, 1995, p. 155.

کشورهای غربی بودند. موج بیداری اسلامی سیاسی و رادیکال دهه ۶۰ میلادی و نیز ناموفق بودن روش‌های بانکداری غربی برای هدایت جریان ثروت نفت به توسعه‌ای پایدار در این کشورها، شکل‌گیری اقتصاد اسلامی را به عنوان یک سیاست اجتماعی تسریع نمود. اولین بانک اسلامی در سال ۱۹۷۷ در کشور مصر و با حمایت دولت آن کشور آغاز به کار نمود. این در حالی بود که در سراسر دهه ۷۰ میلادی بانک‌های اسلامی دیگری با حمایت مالی و ایدئولوژیک اتباع ثروتمند عربستان سعودی در کشورهای مختلف تأسیس شدند. در دهه ۸۰ میلادی، سه کشور ایران، پاکستان و سودان به طور کامل نظام بانکی خود را متحول کردند و الگوی بانکداری اسلامی را به شیوه دولتی و انحصاری و به صورت اجباری پیاده کردند؛ در حالی که در سایر کشورهای اسلامی، بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های متعارف غربی و در رقابت با آن‌ها شکل گرفته و به حیات خود ادامه دادند.^۱

بانک‌های اسلامی هم‌اکنون در بیش از ۶۰ کشور در دنیا که بیشتر آن‌ها در خاورمیانه و آسیا هستند فعالیت می‌کنند. حتی بانک‌های تجاری متعارف شروع به ارائه تسهیلات بر اساس قراردادهای بانکی اسلامی نموده‌اند تا در بازار بانکداری اسلامی سهمی داشته باشند. برخلاف دیگر بانک‌های تجاری خاورمیانه که در جریان افزایش بی‌سابقه قیمت‌های نفت در دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط دولت‌های نفتی خاورمیانه تأسیس شدند، بانک‌های اسلامی محصول فعالیت‌های بخش خصوصی بوده و غالباً در کشورهای غیرنفتی به وجود آمده‌اند.^۲

۲- اقتصاد و بانکداری اسلامی در ایران

نظام بانکی ایران تا پیش از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نظام بانکداری متعارف غربی بود و از مؤسسات مالی اسلامی خبری نبود. تنها صندوق‌های قرض‌الحسنه به صورت غیر رسمی وجود داشتند و فعالیت آن‌ها محدود و معطوف به اشخاص حقیقی بود. دانش اقتصاد اسلامی هم نه در محافل دانشگاهی، نه در محافل روشن‌فکری ایران، حتی در محافل اسلامی آن، مطرح نبود.

^۱. Barenberg, Andrew, "Islamic Financing Impacts on Development and Equality", *Oeconomicus*, Volume VII, 2004-2005, p. 1.

^۲. Aggarwal, Rajesh K. and Tarik Yousef, "Islamic Banks and Investment financing", *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 32, No. 1, 2000, p. 93.

کتاب *اسلام و مالکیت* آیت‌الله طالقانی، که نخست در سال ۱۳۳۰ منتشر شد، توجهی برنینگخته بود. جلد اول کتاب *اقتصادنا*، تألیف شهید صدر، که در سال ۱۳۴۰ در بیروت به عربی چاپ شده بود، در سال ۱۳۵۰ به فارسی ترجمه و با عنوان *اقتصاد ما* منتشر شد. آن هم اما توجهات را به اقتصاد اسلامی معطوف نکرد.^۱ "تا پیش از انقلاب، در ایران نه کسی خود را اقتصاددان اسلامی خوانده بود، نه کسی در میان محققان علوم اجتماعی مقاله، کتاب یا رساله‌ای نوشته بود که حتی پیش‌درآمدی بر اقتصاد اسلامی به حساب آید. هنگامی که در سال ۱۳۵۵ نخستین کنگره اقتصاد اسلامی در مکه برگزار شد، کسی نبود که به عنوان صاحب‌نظر در اقتصاد اسلامی به این کنفرانس برود"^۲.

با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ قوانین مغایر با شریعت به تدریج حذف شدند و تلاش شد با تدوین قوانین مطابق با شریعت اسلامی، دستورها و احکام اسلام در زمینه‌های مختلف به اجرا درآیند. یکی از زمینه‌های مهم، بستر فعالیت‌های اقتصادی و بانکی بود. بر همین اساس و پیرو تبصره‌ی ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۰، دولت موظف شد در اسرع وقت مطالعات لازم را انجام داده و ظرف مدت شش ماه لایحه عملیات بانکداری بدون ربا را به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

لایحه عملیات بانکداری بدون ربا، در سال ۱۳۶۱ به هیأت دولت تقدیم و پس از تصویب هیأت وزیران در همان سال برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شد و پس از تغییراتی سرانجام در شهریور ماه سال ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید.^۳ بر اساس این قانون، نظام بانکی کشور ملزم به "استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل - با ضوابط اسلامی - برای تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار، در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور" شد (ماده یک قانون).

۱. بهداد، سهراب، "انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی: اسلامی کردن اقتصاد در دانشگاه‌های ایران"، کنکاش، شماره سیزدهم، پاییز ۱۳۷۶، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. موسویان، سیدعباس، "نقد و بررسی قانون بانکداری بدون ربا"، اندیشه حوزه، شماره ۵۳، سال ۱۳۸۴، ص ۱۲۱.

۳- اصول حاکم بر بانکداری اسلامی

اصول حاکم بر بانکداری اسلامی که بر اساس تفسیر غالب از شریعت اسلام به وجود آمده‌اند و علی‌رغم اختلاف نظر اقتصاددانان و صاحب‌نظران اسلامی در بسیاری موارد، مورد اجماع و توافق هستند را می‌توان به صورت دو اصل اساسی زیر عنوان نمود:

اول، ممنوعیت اخذ و پرداخت بهره؛ و دوم ابتنا بر اصل مشارکت در سود و زیان.^۱

مهم‌ترین اصل اقتصاد و بانکداری اسلامی، اصل منع ریاست. مدل فعلی بانکداری اسلامی بر مبنای فرض اساسی یکسان‌انگاری ربا و بهره‌ی بانکی شکل گرفته که خود مورد انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی است که از تفاوت مبنایی این دو سخن می‌گویند، به شکلی که در حالی که اولی آشکارا ظالمانه بوده و باعث ایجاد فساد در اقتصاد معیشتی و ایستای جامعه‌ی ماقبل مدرن می‌شده است، بهره‌ی بانکی هزینه‌ی منطقی در اختیار داشتن منبع کمیابی به نام سرمایه است که با گسترش روابط اقتصاد بازار رقابتی و نضج گرفتن نظام اعتباری جدید پدیدار شده و نقش کلیدی در تنظیم رابطه میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به عهده دارد.^۲

درحالی که میان دانشمندان اقتصاد اسلامی مباحث و اختلاف‌نظرهای فراوانی درباره ماهیت دقیق ربا و گستره‌ی ممنوعیت آن وجود دارد،^۳ تفسیر رایجی که به آن استناد می‌شود این است که منع ربای مورد نظر اسلام، مستلزم منع بهره بانکی نیز هست.^۴

اساس عملیات بانکداری مشارکتی اسلامی، بر مبنای دو عقد مدنی مشارکت و مضاربه استوار شده است. بانک اسلامی به‌زعم نظریه‌پردازان آن، به جای اخذ سپرده و ارائه‌ی وام به مشتریان و پرداخت و دریافت بهره در قبال آن، بر اساس ترکیب و مشارکت کار و سرمایه عمل می‌کند تا ضمن به جریان انداختن سرمایه‌های راکد توسط کارآفرینان، به پویایی اقتصاد جامعه و گردش

^۱. Aggarwal and Yousef, op. cit., p. 94.

^۲. غنی‌نژاد، موسی، تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، نشر مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۸۹، ص ۷۶.

^۳. برای نمونه نک. مجله "نقد و نظر"، از شماره ۱۲ تا شماره ۱۸؛ دادگر، یدالله، "توجهات معاصر پیرامون مساله ربا"، نامه مفید، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۷۵. همچنین:

Nomani, op. cit.

^۴. Presley, John R. and John G. Sessions, "Islamic Economics: the Emergence of a New Paradigm", The Economic Journal, Vol. 104, No. 424, 1994, p. 586.

سرمایه‌ها کمک نماید. طرفین بر اساس احکام این عقود، در سود و زیان شریک می‌شوند و به این ترتیب، دشواری و تعارض قدیمی در مورد ترکیب و نسبت کار و سرمایه حل می‌شود و بنگاه‌های صنعتی، کشاورزی و تجاری می‌توانند از این طریق تأمین مالی شوند و اقتصاد جامعه به حرکت درآید.^۱ آیت‌الله شهید صدر، یکی از نظریه‌پردازان برجسته‌ی اقتصاد و بانکداری اسلامی است که کتاب "البنک اللاربوی فی الاسلام" را اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی در پاسخ به پرسش وزارت اوقاف کویت از علمای اسلام در زمینه بانکداری بدون ربا تحریر نمود.^۲ وی در این کتاب، سازوکار اجرایی بانک اسلامی را در تجهیز و تخصیص منابع پولی نشان می‌دهد. "اندیشه اصلی شهید صدر در الگوی بانکداری بدون ربا، واسطه‌گری مالی بانک، میان سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران در قرارداد مضاربه است. در این الگو، بانک وجوه مازاد سپرده‌گذاران را جذب کرده؛ سپس آن‌ها را بر اساس مضاربه در اختیار سرمایه‌گذاران می‌گذارد"^۳. در حالی که اصل اول بانکداری اسلامی محتوایی سلبی دارد، اصل دوم بیان‌گر نوع فعالیت بانک اسلامی است که انتظار می‌رود روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده در بانکداری اسلامی محتوای این اصل را در عمل اجرا نمایند. طرفداران اقتصاد اسلامی توافق دارند آن‌چه واقعاً بانکداری اسلامی را از بانکداری مرسوم غربی متمایز می‌کند، ابزارهای مالی مبتنی بر نظام مشارکت در سود و زیان هستند.^۴

۴- تأمین مالی در بانکداری اسلامی

روش‌های تأمین مالی در بانکداری اسلامی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

^۱. Mannan, M. A., Islamic Economics, Theory and Practice, Idarahi Adabiyati Delli, Delhi, 1980, pp. 221-222.

^۲. موسویان، سید عباس، "بانکداری بدون ربا از نگاه شهید صدر"، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۵، ۷۱.

^۳. همان، ص ۷۳.

^۴. Šrámek, Ondřej, "Islamic Economics: New Economic Paradigm, or Political Agenda?", New Perspectives on Political Economy, Volume 5, Number 2, 2009, p. 14; Ayub, Muhammad, Interest, Mark up and Time Value of Money, 2004, available at: <http://www.sbp.org.pk/departments/ibd/InterestMarkUp.pdf>

۱-۴- روش مشارکت در سود و زیان یا PLS^۱

الف) مشارکت در سود و زیان در قالب مضاربه^۲

بر اساس ابزار مضاربه، بانک سرمایه لازم را برای کارآفرین تأمین می‌کند و کارآفرین آن را در فعالیتی تجاری به کار می‌گیرد و کنترل و مدیریت فعالیت تجاری هم با کارآفرین است. در صورتی که فعالیت تجاری به زیان منتهی شود، بانک از سرمایه‌گذاری خود حاصلی نمی‌برد و یا ممکن است متحمل ضرر شود. در صورت سودآوری فعالیت تجاری، سود به دست آمده به نسبتی که از پیش تعیین شده است بین این دو تقسیم خواهد شد.

ب) مشارکت در سود و زیان در قالب مشارکت

ابزار دیگر تأمین مالی در نظام PLS، ابزار مشارکت است که بر اساس آن کارآفرین و بانک، مشترکاً تأمین سرمایه و مدیریت پروژه فعالیت تجاری را بر عهده دارند. در این روش، ضررها به نسبت میزان مشارکت در سرمایه تقسیم می‌شود، در حالی که تقسیم سود بر اساس نسبت مورد توافق طرفین صورت می‌گیرد.

۲-۴- روش‌های مبتنی بر مارک‌آپ^۳ یا مبادله^۴

الف) مرابحه^۵

در روش مرابحه، بانک کالای مورد نیاز مشتری خود را خریداری می‌کند و آن را در برابر قیمت تعیین شده که شامل قیمت خرید کالا به علاوه مبلغی توافقی به عنوان سود بانک است به

^۱ Profit-Loss Sharing

^۲ مشرف جوادی، محمدحسین و قوچی فرد، حمزه، "ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی (با رویکردی بر ریسک قانونی)"، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۸، آذر و دی ۱۳۸۸، ص ۱۰۰.

^۳ مارک‌آپ (Markup) به معنی اختلاف بین هزینه‌ی یک کالا و قیمت فروش آن است؛ در تجارت به خرید یک کالا و فروش آن به قیمت بالاتر اطلاق می‌شود.

^۴ عقود مبادله‌ای در نظام بانکی ایران بر همین اساس اجرا می‌شوند. خرید سلف، خرید دین و جعاله نمونه‌های دیگر این شیوه‌اند.

^۵ معاملات اقساطی و نسیه از ابزارهای اجرای این شیوه‌اند. در بانک‌های ایران، قراردادهای فروش اقساطی که به صورت گسترده ارائه می‌شوند، نمونه‌ای از اجرای این شیوه‌اند.

مشتری می‌فروشد. در حالی که بانک کالا را به صورت نقدی از بازار می‌خرد، آن را به قیمتی بیشتر به مشتری می‌فروشد. پرداخت این مبلغ از سوی مشتری به صورت یکجا و یا قسطی در آینده صورت می‌گیرد و مالکیت کالا پس از پرداخت تمام اقساط از سوی مشتری، از سوی بانک به وی منتقل می‌شود. مزایای قدیمی برای تأمین مالی تجارت است. این روش عمدتاً هنگامی به کار گرفته می‌شده که خریدار خود آشنایی کافی با شرایط بازار نداشته است.^۱

ب- اجاره

ابزار دوم برای اجرای روش مارک‌آپ در بانکداری اسلامی، مبتنی بر عقد اجاره است و به همین نام خوانده می‌شود. در این روش بانک کالای مورد نیاز مشتری را می‌خرد و آن را به مشتری اجاره می‌دهد. مالکیت کالا در اختیار بانک می‌ماند و یا به صورت تدریجی به صورت اجاره با شرط تملیک به مشتری منتقل می‌شود. اجاره به شرط تملیک شیوه سنتی قراردادهای لیزینگ امروزی است.^۲

با وجود آن که شیوه تأمین مالی مارک‌آپ امروزه به طور گسترده در بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد، منطبق بودن آن با اصول شریعت اسلام در میان اقتصاددانان اسلامی به شدت مورد اختلاف نظر است، چراکه بر اساس آن همواره مبلغی ثابت به عنوان سود به بانک برمی‌گردد و از این نظر بسیار شبیه به عملکرد بانکداری مرسوم غربی مبتنی بر ریاست^۳ موضع بسیاری از دانشمندان اقتصاد اسلامی در مورد استفاده از تکنیک‌های مارک‌آپ این است که اگرچه استفاده از آن‌ها منع نشده و مجاز است، باید کلاً از به‌کارگیری آن‌ها اجتناب نمود و یا استفاده از آن‌ها را محدود کرد.^۴

¹ Nagaoka, Shinsuke, "Islamic Finance in Economic History: Marginal System or another Universal System?" A Paper presented at Second Workshop on Islamic Finance: What Islamic Finance Does (Not) Change, March 17th, EM Strasbourg Business School, 2010, p. 15.

² Aggarwal and Yousef, op. cit., p. 95.

³ El-gamal, Mahmoud A., "Islamic Finance: Law, Economics, and Practice", Cambridge University Press, 2006, p. 2.

⁴ Aggarwal and Yousef, op. cit., p. 97.

۵- ناکامی بانکداری بدون ربا در عمل

در حالی که انتظار می‌رود بخش اعظم تأمین مالی اسلامی به دوش نظام مشارکت در سود و زیان و روش‌های اجرای آن، یعنی عقود مشارکت و مضاربه باشد، در عمل اما به باور منتقدان، بانک‌های اسلامی از این کار خودداری می‌کنند. همچنین برخی بانک‌های اسلامی شروطی در قراردادهای مضاربه‌ای خود می‌گنجانند که آن را از ماهیت مضاربه خارج می‌کند، بازگشت اصل و سود سرمایه را تضمین و تمام ریسک را به گیرنده‌ی تسهیلات منتقل می‌نمایند.^۱

ایرج توتونچیان، نویسنده کتاب *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری* در فصل پنجم این کتاب، می‌نویسد: "هم‌اکنون عملکرد بانک‌های کشورمان این نکته را به اذهان تداعی می‌کند که در بانکداری موجود تنها اسم و عنوان و یا قالب کارها تغییر کرده است و در واقع عملکرد آن‌ها همان عملکرد بانک‌های ربوی است."^۲

نکته جالب این است که این انتقاد تنها به نظام بانکی ایران وارد نشده و عملکرد بانک‌های اسلامی در کشورهای دیگر نیز به طور گسترده مورد انتقاد اقتصاددانان مسلمان و طرفداران بانکداری اسلامی واقع شده است.^۳ احمدالنجار، بانکدار مصری که بنیان‌گذار نخستین بانک اسلامی در مصر است، وضعیت کنونی بانک‌های اسلامی را شکستی وحشتناک توصیف می‌کند که عملیات‌شان تنها در ظاهر و صورت از عملکرد بانکداری متعارف متفاوت است اما در باطن همان عملیات را انجام می‌دهند، به نحوی که تنها کم‌تر از ۵ درصد فعالیت‌شان مبتنی بر نظام مشارکت واقعی در سود و زیان است.^۴

دوم: نقد عملکرد بانکداری اسلامی در اجرای عقود مضاربه و مشارکت قسمت

در این قسمت تلاش می‌کنیم بر اساس اصول بانکداری اسلامی، به نقد عملکرد آن در اجرای عقود مضاربه و مشارکت بپردازیم. مهم‌ترین این اصول از نظر ما اصل فعالیت بانک بر اساس

^۱. Šrámek, op. cit., p. 144.

^۲. اصغری، محمود، "گذری بر اهداف بانکداری بدون ربا"، اندیشه حوزه، شماره ۵۳، سال ۱۳۸۴، ص ۶۲.

^۳. Ayub, Muhammad, Understanding Islamic Finance, Wiley, 2007, p. 307.

^۴. Kuran, op. cit., p. 162.

مشارکت در سود و زیان است. پرسشی که با آن مواجهیم این است که چرا بانک‌های اسلامی نمی‌توانند عملیات خود را بر اساس اصل مشارکت در سود و زیان و استفاده از ابزارهای مضاربه و مشارکت استوار سازند.

به باور منتقدین، بانکداری اسلامی در حقیقت نوعی مهندسی اقتصادی برای تغییر دادن بانکداری متعارف در جهت حذف بهره از آن بوده است.^۱ به عبارت دیگر، این نوع بانکداری محصول اصیل و درون‌زای فرهنگ و تمدن اسلامی نبوده، بلکه ابداع جدیدی برای رفع برخی نگرانی‌ها در خصوص شبهه‌ی ربوی بودن بانکداری متعارف غربی است و بیش از آن که ریشه در اسلام داشته باشد، متأثر از عوامل بیرونی است؛ یعنی تا زمانی که مسلمانان در تماس با جوامع غربی و بانکداری آن‌ها قرار نگرفته بودند، ضرورت بانکداری اسلامی احساس نشده بود.^۲ بر این اساس شناخت و درک صحیح ماهیت بانکداری مدرن و چارچوب کارکردی آن اولین شرط برای موفقیت بانکداری اسلامی است، چراکه طراحی جایگزین برای هر پدیده‌ای بدون شناخت دقیق پدیده‌ی اصلی امکان‌پذیر نیست. از همین منظر است که اولین ایراد به بانکداری اسلامی وارد می‌شود.

۱- درک نادرست از کارکرد و وظایف بانک

در بانکداری اسلامی، برای بانک کارکرد و وظیفه‌ای در نظر گرفته شده که از اساس با ماهیت بانک متعارف غربی و فعالیت آن در تعارض است. در حالی که در اقتصاد مدرن، فعالیت بانک متمرکز بر بازارهای پولی است، اساس بانکداری اسلامی بر فعالیت مشارکتی و سرمایه‌گذاری بنا شده است. ساختار یک بانک تجاری متعارف بر سپرده‌گذاری سپرده‌گذاران بانک از یک سو و وام‌دهی بانک به متقاضیان نقدینگی و سرمایه از سوی دیگر تشکیل شده و کارکرد آن تنظیم

^۱ El-gamel, "Incoherence of Contract-based Islamic Financial Jurisprudence in the Age of Financial Engineering", op. cit., pp. 616-617

^۲ Kuran, op. cit., p. 156.

عرضه و تقاضا در بازار پولی است. روابط اقتصادی و حقوقی حاکم بر سپرده‌گذاری و وام‌دهی با روابط مشارکتی تفاوت ماهوی دارند.^۱

با بزرگ شدن اقتصاد، برقراری ارتباط بدون واسطه بین صاحب سرمایه از یک طرف و کارآفرین از طرف دیگر، غیر ممکن می‌شود. حتی اگر چنین امری هم ممکن باشد، اعمال نظارت و کنترل بر کارآفرین و نیز مواجهه با انواع ریسک‌ها، هزینه‌های زیادی را به صاحب سرمایه تحمیل می‌کند که مجموعه موارد ذکر شده، شکل‌گیری سیستم بانکی را در ایفای نقش واسطه‌گری مالی توجیه می‌نماید. بر این اساس، بانک که خود یک بنگاه اقتصادی است، در پاسخ به نیاز بازار تشکیل می‌شود و نقش واسطه بین سپرده‌گذار و دریافت‌کننده‌ی تسهیلات را ایفا می‌کند.^۲

اما روابط مشارکتی که در بانکداری اسلامی در قالب عقود مضاربه و مشارکت اجرا می‌شوند و اساس نظام مشارکت در سود و زیان را تشکیل می‌دهند، از جنس سرمایه‌گذاری هستند و اقتضائات خاص سرمایه‌گذاری را دارند.^۳ اتفاقاً بیشتر مشکلات بانکداری اسلامی هم ناشی از غفلت از همین تفاوت ساختاری است. در حالی که در سرمایه‌گذاری، مسائلی همچون اعتماد متقابل سرمایه‌گذار و کارآفرین، لزوم وجود اطلاعات متقارن، درگیری با مسأله‌ی ریسک سرمایه‌گذاری و ضرورت ارزیابی و سنجش ریسک‌های مختلف و ... مطرح هستند، واسطه‌گری پول در بازار پول که کارکرد اصلی بانک مدرن است فارغ از این مسائل و دغدغه‌هاست.

به طور کلی سه نهاد واسطه‌ی مالی در بازارهای مالی فعالیت می‌کنند که عبارت‌اند از: ۱- انواع شرکت و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، ۲- مؤسسات بیمه‌ای و ۳- بانک‌های تجاری متعارف، که به همه‌ی آن‌ها عنوان کلی واسطه‌ی مالی اطلاق می‌گردد زیرا جملگی در یک ویژگی مشترک هستند و آن واسطه‌گری میان عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان وجوه است. اما باید توجه داشت

^۱ غنی‌نژاد، موسی، "بررسی برخی نظریه‌های مربوط به بانکداری بدون ربا" در: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۳۸.

^۲ نیلی، مسعود، "مقایسه تطبیقی قانون عملیات بانکی بدون ربا با کارکردهای اقتصاد مدرن"، در: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۲۱.

^۳ Hasan, Zubair (2002), "Mudaraba as A Mode of Finance in Islamic Banking: Theory: Practice and Problems", MPRA Paper No. 2951: Osted 07, November 2007, p. 45, online at: <http://mpr.ub.uni-muenchen.de/2951/>

که هر کدام از این سه نوع واسطه‌ی مالی، نیازهای خاص و متفاوتی را پاسخ می‌دهند و از این رو هر یک ساختار و عملکرد اقتصادی و حقوقی متفاوتی دارند. بانک تجاری متعارف یک نوع واسطه مالی است و شرکت سرمایه‌گذاری نوعی دیگر، نمی‌توان یکی از این‌ها را به کلی حذف و دیگری را جایگزین کرد^۱.

اما بر اساس سازوکاری که برای بانکداری اسلامی تعریف شده، نقش بانک نه در واسطه‌گری مالی، بلکه به عنوان وکالت و جوه مطرح می‌شود. در این الگو، سپرده‌گذاران وجوه خود را در اختیار بانک قرار می‌دهند و به بانک وکالت می‌دهند با سرمایه‌گذاری آن در قالب عقود مضاربه و مشارکت از طرف سپرده‌گذاران، وجوه آنان را به گردش درآورد و با به نتیجه رسیدن سرمایه‌گذاری به محاسبه سود و زیان ناشی از آن پردازد و نهایتاً با کسر هزینه‌های خود در قالب دریافت کارمزد، سهم سود سپرده‌گذاران را پردازد. در این الگو، چنانچه سرمایه‌گذاری مورد نظر سودی دربر نداشته باشد و یا احیاناً با زیان مواجه شود، بنا به تعریف، سپرده‌گذاران هم در این ضرر شریک خواهند بود؛ امری که آشکارا با کارکرد بانک در تعارض است و به هیچ‌وجه اعتماد مشتریان بانک‌ها را جلب نمی‌کند. سپرده‌گذاران به منظور مشارکت به بانک‌ها مراجعه نمی‌کنند و هدف اولیه‌ی آن‌ها اغلب نگاه‌داری دارایی‌های نقدی و ممانعت از به خطر افتادن آن‌هاست. از این رو اولین اصل بانکداری، ایجاد اطمینان در سپرده‌گذاران است.

از این منظر، طرح بانک مشارکتی از اساس با اصول بانکداری متعارف در تعارض، و اجرای دقیق آن غیر ممکن است. برای نمونه، عملکرد نظام بانکی در کشور خودمان را بررسی می‌کنیم. از همان آغاز تدوین "قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)" معلوم شد که مهم‌ترین اصل بانکداری مشارکتی یعنی جایگزین کردن نظام سهام‌داری یا مشارکت، به جای سپرده‌گذاری معمولی بانک‌های متعارف دنیا، غیر قابل اجراست.

از منظر خان و میرآخور که هر دو از نظریه‌پردازان برجسته در اقتصاد اسلامی هستند، "تفاوت عمده و اصولی بین بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی در مجاز ندانستن یا دانستن بهره نیست، تفاوت مهم و بارز در این است که نظام اسلامی، سپرده‌ها را به عنوان سهام تلقی می‌کند و از

^۱ غنی‌نژاد، "بررسی برخی نظریه‌های مربوط به بانکداری بدون ربا"، پیشین، ص ۲۳۸.

این رو، ارزش اسمی آن‌ها را تضمین نمی‌کند، در صورتی که در نظام بانکداری سنتی سپرده‌ها توسط بانک یا دولت تضمین می‌شود"^۱.

این تفاوت "عمده و اصولی"، در قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن رعایت نمی‌شوند. در ماده چهار فصل دوم قانون مورد اشاره آمده است: "بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) می‌باشند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و یا به هزینه‌ی خود بیمه نمایند". در آیین‌نامه‌های قانون همین موضوع به روشنی تصریح شده است (ماده هشت آیین‌نامه فصل دوم قانون). به نظر می‌رسد که دلیل عدول قانون‌گذار از یکی از اساسی‌ترین اصول بانکداری مشارکتی، واقع‌بینی، احتیاط و هراس از این مسأله بوده که با عدم تضمین اصل سپرده‌ها، میزان سپرده‌گذاری‌ها به شدت کاهش یابد و نظام بانکی با مشکل جدی مواجه شود. در هر صورت تضمین سپرده‌ها در این قانون، گامی به سوی بانکداری متعارف دنیا بوده و عدم قابلیت اجرای نظریه‌ی بانکداری مشارکتی را در عمل نشان می‌دهد.^۲

گذشته از این ایراد ماهوی، اجرای نظریه بانکداری مشارکتی در عمل با تعارض‌های دیگری هم روبه‌رو است. نحوه‌ی محاسبه و تقسیم سود بین سپرده‌گذاران، یکی از این تعارضات است. نظر به ماهیت فعالیت بانک مشارکتی چنین محاسبه‌ای با دشواری خاصی مواجه است که غیر از شبهه‌ی مطابقت نبودن با اصول اسلامی، مغایر اصول کارآیی اقتصادی هم هست. بر اساس ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون (مصوبه ۸۱۹۶۲ هیأت وزیران مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۷)، منافع حاصل از عملیات مترتب بر اجرای عقود پس از وضع سپرده‌های قانونی مربوط و رعایت سهم منابع بانک، به نسبت مدت و مبلغ "در کل وجوه به کار گرفته شده"، تقسیم خواهد شد. در واقع، سپرده‌گذاری یک‌یک صاحبان حساب، با سپرده‌گذاری "در یک حساب" شبیه‌سازی شده و نیز، پروژه‌های متعدد که بانک در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده به صورت یک پروژه در نظر گرفته شده و میانگین منافع مترتب بر همه فعالیت‌ها محاسبه و به سپرده‌گذاران برمی‌گردد. به بیان دیگر، از

^۱. خان، محسن؛ و میرآخور، عباس، "مطالعات نظری در بانکداری و عالیه اسلامی"، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، مؤسسه عالی بانکداری ایران، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۷۸.

^۲. غنی‌نژاد، "بررسی برخی نظریه‌های مربوط به بانکداری بدون ربا"، پیشین، ص ۲۴۴-۲۴۳.

آنجا که نگهداری حساب در چارچوب رابطه‌ی بین یک سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان تسهیلات و پروژه‌های مورد نظر غیر ممکن است، عملاً بانک نقش یک "وکیل مطلق" را به عهده می‌گیرد که "مجموع منابع" سپرده‌گذاران را در "مجموعه‌ای از پروژه‌ها" به کار می‌گیرد و میانگین منافع را میان سپرده‌گذاران توزیع می‌کند. بنابر این ممکن است منابع سپرده‌ای معین در پروژه‌ای اقتصادی به کار گرفته شود که با موفقیت مواجه شده و از بازدهی بسیار بالا و سود فراوان برخوردار باشد و منابعی دیگر در پروژه‌ای زیان‌ده استفاده شده باشد، که نه تنها سودی نداشته بلکه ضرری را هم متوجه اصل سرمایه نموده. در عمل اما زیان این پروژه با سود پروژه‌های دیگر تعدیل شده و باقی‌مانده، سود واقعی محسوب می‌شود که بین سپرده‌گذاران تقسیم خواهد شد.^۱

واضح است که چنین شیوه‌ای صرف‌نظر از ایرادی که از عدم اجرای اصول شریعت اسلام و قواعد عقود مضاربه و مشارکت متوجه آن است، مغایر با اصول کارایی نیز هست. نظام اقتصادی کارآ، نظامی است که منابع خود را به شکلی تخصیص دهد که به شناسایی و تشویق شیوه‌های با بهره‌وری بالا منجر شود و به تدریج شیوه‌های ناکارآمد را شناسایی و حذف نماید.^۲ با تعدیل سود پروژه‌های پربازده با ضرر پروژه‌های ناموفق اقتصادی و یک کاسه کردن آن‌ها، عملاً راه شناسایی و تشویق پروژه‌های موفق اقتصادی بسته می‌شود. ادامه این روند در بلندمدت به تخصیص غیر بهینه‌ی منابع منجر و کارایی نظام اقتصادی را کاهش خواهد داد.

۲- مشکل شدید اطلاعات

با پیچیده شدن اقتصاد و تخصصی شدن بازارها، اطلاعات به یکی از مهم‌ترین ارکان تجارت امروز بدل شده است؛ به طوری که در دهه‌های اخیر شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی با عنوان

^۱. نیلی، پیشین، صص ۲۲۶-۲۲۵.

اجرای این شیوه شبیه عملکرد صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری (Mutual Funds) است که یکی از شیوه‌های سرمایه‌گذاری با ریسک بسیار پایین هستند، و همان‌طور که گذشت نقشی متفاوت با کارکرد بانک متعارف در واسطه‌گری پولی ایفا می‌کنند. برای آشنایی بیشتر با عملکرد این صندوق‌ها رک. رادفر، مهسا، "آشنایی با صندوق سرمایه‌گذاری مشترک"، تهران: بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۵، شماره ۱۰: ۵۷.

^۲. Mathis, Klaus, "Efficiency Instead of Justice?", translated to English by Deborah Shannon, Springer, 2009, p. 191.

"اقتصاد اطلاعات"^۱ حول محور اطلاعات و بررسی تأثیرات آن بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد به وجود آمده است. یکی از مباحث مهم این رشته که در تحلیل اقتصادی حقوق هم کاربرد گسترده دارد، بحث تقارن اطلاعات است. تبادل اطلاعات بین طرفین قرارداد نقش مهمی در ترویج التزام و همکاری بین آنها دارد.^۲ ممکن است یک طرف، یک سری اطلاعات درباره توافق بالقوه داشته باشد که طرف دیگر ندارد اما این اطلاعات ارزش بسیاری نیز برای او دارد. به این‌گونه اطلاعات، اطلاعات نامتقارن^۳ گفته می‌شود. وجود اطلاعات نابرابر بین طرفین یک قرارداد، تعادل اقتصادی قرارداد را برهم می‌زند و موجب بروز پدیده‌هایی چون فرصت‌طلبی یکی از طرفین^۴، انتخاب نامطلوب^۵ و پدیده کژمنشی^۶ می‌شود.

در کشورهایی که بانک‌های اسلامی فعالیت می‌کنند، یعنی عمدتاً کشورهای در حال توسعه، شرکت‌ها به شدت در مورد ارائه و انتشار اطلاعات مربوط به هزینه‌ها و درآمدهای شان پنهان‌کار هستند، ساده‌ترین دلیل آن هم عدم ارائه اطلاعات مطابق با واقع به ادارات مالیات، و دست‌کاری درآمدها و هزینه‌ها برای کاستن از میزان مالیات است. عدم شفافیت مالی زمینه‌ی عمومی فعالیت این اقتصادهاست.^۷

هنگامی که یک کسب‌وکار یا پروژه‌ی اقتصادی در یک نظام مشارکت در سود و زیان تأمین مالی می‌شود، ضروری است سود یا زیان واقعی که با استفاده از این سرمایه به دست آمده محاسبه و مشخص شود تا مشارکت در سود و زیان بر مبنای آن صورت گیرد. با وجود این، هنوز هیچ شیوه‌ی رضایت‌بخشی برای دستیابی به این مهم طراحی نشده است. شرط اول برای این کار، در اختیار داشتن تمامی حساب‌های شرکت یا شخص کارآفرین است. در چنین شرایطی و بدون دسترسی به حساب‌های واقعی شرکا و مشتریان، بانک‌های اسلامی امکانی برای

^۱. Economics of Information

^۲. کوتر، رابرت؛ و تامس یولن، حقوق و اقتصاد، ترجمه یدالله دادگر و حامده اخوان هزاوه، دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم، چاپ سوم، ۱۳۸۹، ص ۲۶۸.

^۳. Asymmetric Information

^۴. Opportunism

^۵. Adverse Selection

^۶. Moral Hazard

^۷. Kuran, op. cit., p. 162.

محاسبه‌ی میزان واقعی سود و زیان در نظام مبتنی بر مشارکت در سود و زیان نخواهند داشت و تأمین سرمایه‌ی شرکت‌ها در چنین فضایی همواره با ریسک و عدم اطمینان همراه است. بسیاری از تجار کوچک و پیشه‌وران برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها، اساساً دفاتر تجاری ندارند که آن را به صورت صحیح و منظم تنظیم نمایند. ضمن این که بسیاری از تجار و کسبه تمایلی ندارند حساب‌های واقعی خود را برای کسی افشا نمایند.^۱ در کنار این، بانک‌ها نیز به دلیل پیچیدگی اداری و افزایش هزینه‌ها، تمایلی به این محاسبات ندارند. بنابر این هر دو طرف به دلایل خود از محاسبه‌ی دقیق حساب‌ها و میزان سود و زیان که شرط ضروری بانکداری اسلامی است، اجتناب می‌کنند یا حداقل تمایلی به آن ندارند.^۲

مشکل اطلاعاتی هنگامی بغرنج‌تر می‌شود که بدانیم شرکت‌ها معمولاً به طور هم‌زمان چندین فعالیت و پروژه را در بخش‌های مختلف خود پیگیری می‌نمایند. برای مثال، در نظر بگیرید بخشی از یک شرکت که در زمینه‌ی خرید قطعات رایانه‌ای فعال بوده، فعالیت موفقی نداشته و متحمل ضرر سنگینی شده است، در همین زمان فعالیت یک بخش دیگر همین شرکت که با سرمایه‌ی تأمین شده به صورت مضاربه از یک بانک اسلامی به تجارت پرداخته، سودآور و موفق بوده است. در چنین موقعیتی سهم واقعی بانک در نظام مشارکت در سود و زیان چقدر خواهد بود و چگونه محاسبه می‌شود؟ با رجوع به قواعد بانکداری اسلامی می‌بینیم که طرفین باید از ابتدا بر یک نسبت ثابت برای تقسیم سود و زیان توافق کنند. اما در این موقعیت، حتی در صورت شفافیت و نبودن دفترداری دوگانه، شرکت وسوسه خواهد شد هزینه‌ها و درآمدها را بین این دو بخش شرکت تقسیم نماید تا سهم سود پرداختی به بانک را کاهش دهد.

هر چقدر که شفافیت مالی کم‌تر باشد و در صورتی که حساب‌های شرکت دوگانه باشند، امکان فرصت‌طلبی شرکت و سوءاستفاده از این موقعیت بیشتر خواهد شد.^۳

^۱ Ahmed, Mahmood, "Practice of Mudaraba and Musharaka in Islamic Banking", 2011, available at: http://www.ibtra.com/pdf/journal/v2_n1_article3.pdf

^۲ Ibid., p. 5.

^۳ Kuran, op. cit., p. 163.

۱-۲- پدیده کژمنشی و کاهش کارایی بانک

یکی از مباحث جالب در ادبیات اقتصادی که در قالب نظریه‌ی بازی‌ها^۱ مطرح می‌شود پدیده‌ی کژمنشی یا مخاطره‌ی اخلاقی است. کژمنشی زمانی پدید می‌آید که یکی از طرفین قرارداد با حسن نیت رفتار ننماید و اطلاعات گمراه‌کننده‌ای راجع به دارایی، توانایی و یا اعتبار خود به طرف دیگر بدهد یا این انگیزه را داشته باشد که اقداماتی با ریسک غیر معمول را انجام دهد تا منافی برای خود و به ضرر طرف قرارداد کسب نماید. برای مثال متحمل ریسکی خارج از توانایی خود شود که در صورت شکست، طرف مقابل باید ضرر ناشی از آن را تحمل نماید. پدیده‌ی کژمنشی هنگامی روی می‌دهد که بین طرفین قرارداد، اطلاعات نامتقارن وجود داشته باشد. کژمنشی پدیده‌ای فراگیر و غیرقابل اجتناب در سیستم مالی و به طور کلی نظام اقتصادی است که مقابله با آن، یعنی کنترل آن به شکل معقول، از وظایف اصلی مؤسسات و نهادهای مالی است.^۲

بانک‌هایی که تحت نظام مشارکت در سود و زیان فعالیت می‌کنند، بیشتر در معرض مواجهه با خطر کژمنشی یا خطر رفتاری (تقلب، خودداری از انتشار اطلاعات و دست‌کاری میزان سود) از طرف کارآفرینانی هستند که طرف مشارکت یا مضاربه‌ی بانک بوده و تلاش می‌کنند تا سهم بانک را در سود به دست آمده کم کنند. در فضای کشورهای در حال توسعه، عدم تمایل به افشای اطلاعات برای فعالان اقتصادی و بازرگانان بالاست.

بانک‌های اسلامی، در صورتی که متقاضیان تسهیلات مضاربه حداکثر تلاش خود را برای سودآوری و موفقیت پروژه به کار نگیرند، ابزار مناسبی برای شناسایی و کنترل آنان ندارند. کارآفرینان نیز از آنجاکه متعهد چیزی نیستند، انگیزه‌ی کم‌تری برای حداکثر تلاش دارند. کارآفرینان موفق هم ترجیح می‌دهند از بانک‌های متعارف وام با بهره مشخص و ثابت بگیرند تا این که به بانک‌های اسلامی مراجعه کنند و آن‌ها را در سود بالای پروژه‌ی خود شریک کنند.^۳

¹. Game Theory

². Dowd, Kevin, "Moral Hazard and the Financial Crisis", Cato Journal, Vol. 29, No. 1, Winter 2009, p. 142.

³. Barenberg, op. cit., 19.

برخی طرفداران اقتصاد اسلامی که از این مشکل بانکداری اسلامی آگاه شده‌اند، پیشنهاد می‌کنند مثلاً با ارزیابی‌های بهتر و دقیق‌تر خطرات و ریسک‌ها هنگام سرمایه‌گذاری بانک در پروژه‌ها و نیز ایجاد تنوع در سرمایه‌گذاری این مشکل مرتفع شود. و نیز مشکل عدم اطمینان، با طراحی یک نظام هماهنگ و کارآی کنترل و بازرسی و وضع مجازات‌های غیر قابل مصالحه حل شود.^۱

تمام این اقدامات البته می‌تواند صورت بگیرد اما نکته‌ای که از آن غفلت شده این است که این اقدامات به حتم هزینه و بار مالی سنگینی ایجاد خواهد کرد که موجب پایین آمدن کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانک‌های متعارف که اصولاً چنین هزینه‌هایی را متحمل نمی‌شوند، خواهد شد. البته نکاتی که گفته شد، همه با این پیش‌فرض مطرح شده‌اند که نظام بانکی واقعاً تمایل به اجرای عقود مشارکتی از جمله مضاربه داشته باشد. به نظر می‌رسد بانک‌های ایرانی در اعطای تسهیلات مضاربه‌ای با چنین دشواری روبه‌رو نیستند و هیچ سازوکار نظارتی در روبه‌ی بانک‌های ایران برای کنترل و نظارت بر عملیات مضاربه وجود ندارد. علی‌رغم آن که در قراردادهای بانکی مضاربه، حق نظارت برای بانک محفوظ دانسته شده، این مسأله محدود به قرارداد باقی مانده و در عمل هیچ بروز و ظهوری ندارد. دلیل این مسأله هم به نظر می‌رسد با توجه به مطالبی که تاکنون گفته شد واضح باشد و آن این است که بانک‌ها در واقع مشارکتی در سود و زیان پروژه‌ها ندارند تا تمایل یا نیازی به نظارت بر عملیات تجارتي گیرندگان تسهیلات مضاربه داشته باشند.

۲-۲- پدیده انتخاب نامطلوب^۲

یکی دیگر از آثار سوء وجود اطلاعات نامتقارن بین طرفین یک قرارداد، بروز پدیده انتخاب نامطلوب است که در صنعت بیمه و مدیریت ریسک کاربرد گسترده دارد. اولین بار جورج آرتور آکرلوف^۳ اقتصاددان آمریکایی، در سال ۱۹۴۰ با ارائه مثال معروف بازار فروش خودروهای دست دوم به این مسأله اشاره کرد و از آن زمان این اصطلاح وارد ادبیات اقتصادی شد.

^۱. Šrámek, op. cit., p. 155.

^۲. Adverse Selection, Anti-selection, or Negative Selection

در زبان فارسی به انتخاب نامساعد، انتخاب بد، انتخاب واژگون، و انتخاب ناسازگار و ... نیز ترجمه شده است.

^۳. George Arthur Akerlof

انتخاب نامطلوب به موقعیتی اشاره دارد که در اثر نبود اطلاعات کافی، یکی از طرفین قرارداد نتواند بین دو یا چند کالا یا عمل یا موقعیت، تفکیک قائل شود و بهترین و مناسب‌ترین را انتخاب کند. در این صورت طرف مقابل که کالای معیوب یا با کیفیت پایین‌تر دارد، با آشکار نکردن این اطلاعات، بخت خود را برای انعقاد معامله بیشتر می‌کند. دارندگان چنین کالاهایی از وضعیت این بازار استقبال می‌کنند و به تدریج این بازار برای آنان جذاب‌تر می‌شود و بیشتر به آن رجوع می‌کنند، به نحوی که هزینه‌ی حضور در بازار برای دارندگان کالاهای سالم بیشتر می‌شود. در نتیجه کارایی این بازار از سطح متوسط پایین‌تر خواهد افتاد.^۱ مثال آن، بازار بیمه‌ی عمر است که افراد مبتلا به بیماری‌های کشنده و افرادی که به هر جهت از کوتاه بودن طول عمر خود اطلاع می‌یابند و یا حتی سیگاری‌ها تمایل بیشتری برای حضور در آن و خرید بیمه عمر برای خود دارند. منتقدان بانکداری اسلامی بیان می‌کنند که بانک‌های اسلامی در صورت اجرای نظام مشارکت در سود و زیان با پدیده انتخاب نامطلوب مواجه خواهند شد.^۲ عدم دریافت وثیقه و تضمین در قبال پرداخت تسهیلات مضاربه و مشارکت، توانایی بانک برای شناسایی و کنار زدن وام‌گیرندگان نامعتبر و متقلب را از بین می‌برد یا تا حدود زیادی با مشکل مواجه می‌کند. در نبود وثیقه و تضمین لازم، بانک ابزار مؤثری برای شناسایی کارآفرینان موفق ندارد و افرادی که توانایی کم‌تری دارند، فرصتی برابر دارند تا از این موقعیت استفاده کنند. این موقعیت منجر به انتخاب نامطلوب از سوی بانک می‌شود، چراکه در این صورت افرادی که برنامه‌ای برای بازپرداخت وجوه دریافتی خود به بانک ندارند، مشتاق‌ترین مشتریان و محتمل‌ترین گزینه‌های بانک برای پرداخت تسهیلات خواهند بود.^۳

این دشواری البته محدود به فرض عدم دریافت وثیقه برای مضاربه نیست و در صورت اخذ وثیقه باز هم ادامه دارد. می‌دانیم که بانک‌های اسلامی در بیشتر کشورها در کنار بانک‌های متعارف ربوی فعالیت و با آن‌ها رقابت می‌کنند. در این وضعیت، صنعت‌گران و کارآفرینانی که انتظار سود بالایی از فعالیت خود دارند، ترجیح می‌دهند برای تأمین سرمایه‌ی مورد نیاز خود به بانک‌های

^۱. Veljanovski, Cento G., *Economic Principles of Law*, Cambridge University Press, 2007, pp. 40-41.

^۲. Leiss, Jonathan, "Islamic Economics and Banking in the Global Economy", 2007, p. 5.

^۳. Barenberg, op. cit., p. 19.

متعارف رجوع کنند، تا بهره‌ی مشخص و ثابتی در قبال وام‌های دریافتی خود به بانک بدهند. در این صورت در سود خود با بانک شریک نمی‌شوند و می‌توانند سهم سود خود را به حداکثر برسانند. این درحالی است که اشخاصی که انتظار سود کم‌تری از فعالیت خود دارند و کارآفرینان ناموفق که احتمال سودآوری فعالیت تجاری‌شان کم‌تر است، به نظام مشارکت در سود و زیان و بانک‌های اسلامی رو می‌آورند تا در این سود کم‌تر و یا زیان احتمالی با بانک شریک باشند؛ چراکه آنان مکلف به پرداخت مبلغی قطعی به عنوان سود نیستند، در کنار این که در صورت مواجه شدن با زیان، قسمتی از آن به عهده بانک خواهد بود.^۱

به این ترتیب می‌بینیم که نظام مشارکت در سود و زیان بانکداری اسلامی، در صورت اجرا با دو مشکل کژمنشی و انتخاب نامطلوب مواجه است که به شدت کارایی آن را کاهش می‌دهند.

۳-۲- نادیده گرفتن تمایلات و جهت‌گیری‌های اقتصادی افراد

مشتریان بانک‌ها اعم از سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات، اهداف، انگیزه‌ها و سلیقه‌های متفاوتی دارند که متناسب با این‌ها در مراجعه به سیستم بانکی رفتار متفاوتی خواهند داشت. در حالی که برخی به دنبال حفظ پول و کسب سود محدود و معین اما مطمئن هستند و ترجیح می‌دهند تا جایی که می‌توانند مخاطره‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی را به دیگران منتقل کنند، برخی دیگر با پذیرش ریسک و خطرات در انتظار سودهای بالاتر هستند و ترجیح می‌دهند خود عهده‌دار تمام مخاطره‌های اقتصادی بنگاه باشند و در مقابل، کل سود بنگاه متعلق به آنان باشد.^۲ در ادبیات اقتصادی و تحلیل بازارها ریسک‌گریزی^۳ مفهومی شناخته شده است که از عدم تمایل به معاملات پرسود اما دارای ریسک بالا و ترجیح معاملات با سود کم‌تر و امنیت بیشتر حکایت دارد.

منتقدان بانکداری اسلامی از جهت ابتدای فعالیت بانکداری اسلامی بر سرمایه‌گذاری و مشارکت در سود و زیان و بی‌توجهی به تمایلات مشتریان مختلف بانک‌ها، آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند. افرادی که ترجیح می‌دهند وجوه خود را در حساب‌هایی با بهره‌ی ثابت سپرده‌گذاری کنند، افرادی

^۱ Kuran, op. cit., p. 162.

^۲ موسویان، "نقد و بررسی قانون بانکداری بدون ربا"، پیشین، ص ۱۳۰.

^۳ Risk Aversion

ریسک‌گریز هستند که با حذف بهره تنها بخشی از آن‌ها وجوه خود را در فعالیت‌های مبتنی بر ریسکی چون PLS سرمایه‌گذاری خواهند کرد؛ در حالی که اغلب ترجیح می‌دهند اصلاً سرمایه‌گذاری نکنند. در نتیجه، نظام بانکی اسلامی در عمل منجر به عکس‌هدفی که پیگیری می‌کند خواهد شد یعنی به‌جای تحرک سرمایه و گردش آن، منجر به تجمع و انباشت سرمایه می‌شود.^۱

آن‌چه مطرح شد نقدی است که در صورت اجرای الگوی فعلی بانکداری اسلامی، به آن وارد می‌شود. به دلیل همین دشواری‌های مطرح شده، بانک‌ها عملاً چنین طرحی را پیگیری و اجرا نمی‌کنند. مطالعه‌ی انجام شده توسط یکی از پژوهش‌گران بانکداری اسلامی در مورد ایران، نشان از حرکت بانک‌ها بر خلاف رویه‌ی مشارکتی برای اجتناب از ربا و حرکت به سمت عقود مبادله‌ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین و جعاله) با نرخ سود و تغییر ماهیت عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات)^۲ به قراردادهایی با نرخ سود معین دارد. در قراردادهای مشارکتی نیز، بدون توجه به سودهای واقعی و تحقق‌یافته‌ی فعالیت‌های اقتصادی، بانک با احتساب نرخ حداقل سود انتظاری که به طور معمول از طرف شورای پول و اعتبار اعلان می‌شود به عنوان نرخ سود قرارداد، قراردادها را تنظیم و از مشتری مطالبه می‌کند. نتیجه این که عقود مشارکتی، در مقام عمل تبدیل به قراردادهای مبادله‌ای با نرخ سود معین شده‌اند. دلیل اصلی رشد قراردادهای مبادله‌ای، به ویژه فروش اقساطی و تغییر ماهیت عقود مشارکتی را باید در تناسب بیشتر عقود مبادله‌ای با ماهیت بانک و انتظارات مشتریان بانک جست‌وجو کرد.^۳

یکی دیگر از نیازهای عادی و روزانه‌ی کسب‌وکارها برای پیشبرد فعالیت‌های تجاری وجه نقد است که در بسیاری موارد افراد برای تأمین آن اقدام به اخذ وام می‌کنند. این نیاز به وجه نقد برای پرداخت هزینه‌های جاری و پرسنلی بنگاه‌ها، لزوماً یک سرمایه‌گذاری مستقل نیست تا بتوان میزان سودآوری آن برای بنگاه را ارزیابی نمود. مثلاً بنگاهی در پرداخت هزینه‌های جاری خود در کوتاه‌مدت با مشکل کمبود نقدینگی مواجه می‌شود و بهترین راه برای حل این مشکل،

^۱. Šrámek, op. cit., p. 155.

^۲. دو مورد آخر، یعنی مساقات و مزارعه در بانکداری ایران عملاً ارائه نمی‌شوند.

^۳. موسویان، "نقد و بررسی قانون بانکداری بدون ربا"، پیشین، ص ۱۳۲.

اخذ وام از نظام بانکی است. هزینه‌های سرمایه‌ای در بخش‌هایی که ارتباط مستقیم با تولید کالا و فروش آن ندارند، گونه‌ی دیگری از این نیازها هستند. برای نمونه یک شرکت تولیدی برای ساخت یا ارتقای آزمایشگاه کنترل کیفی خود نیاز به سرمایه به صورت اخذ وام دارد. نیاز به وجه نقد برای تعمیر و بازسازی محل کسب و... نمونه‌هایی دیگر هستند.

نظام مشارکت در سود و زیان به این نیاز پاسخ نمی‌دهد. حتی در صورت وجود اعتماد کامل و اطلاعات برابر بین بانک و مشتری، تقریباً غیرممکن یا به شدت پرهزینه و غیرمنطقی است که بتوان مشارکت بانک در چنین سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدتی که نتیجه‌ی قابل محاسبه مشخصی در میزان سود یک بنگاه ندارد را ارزیابی نمود^۱.

۴-۲- ناتوانی از انجام سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت و زیرینایی

به اعتقاد منتقدین، عملکرد بانک‌های اسلامی در زمینه‌ی تأمین مالی در بخش‌های صنعت و کشاورزی ضعیف است. بانک‌های اسلامی قادر به مشارکت در پروژه‌های بلندمدت نیستند یا تمایلی به این مشارکت ندارند. بررسی قراردادهای موجود سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی نشان می‌دهد بیشتر آن‌ها کوتاه‌مدت و در بهترین حالت میان‌مدت هستند^۲. مهم‌ترین دلیل این مسأله این است که مشارکت بلندمدت در پروژه‌ها بر مبنای PLS، نیازمند روندهای پیچیده و زمان‌بر بررسی و ارزیابی و مذاکرات مفصل است که جدا از هزینه، مستلزم در اختیار داشتن تجربه‌ی فراوان و کارشناسان آزموده است. اما هنوز هیچ معیار پذیرفته‌شده‌ای برای ارزیابی پروژه‌های PLS از سوی بانک‌های اسلامی ارائه نشده است^۳.

منتقدین در بیان دلایل عدم سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی در پروژه‌های بلندمدت به این دو عامل نیز اشاره می‌کنند:

الف) چنین سرمایه‌گذاری‌هایی، وجوه سرمایه را برای دوره‌های طولانی‌مدت درگیر می‌کنند که با افزایش مدت ریسک و عدم اطمینان در بانکداری اسلامی، افزایش می‌یابد، چراکه در بانکداری متعارف، تقریباً با پرداخت وام پرداخت اقساط وام هم به صورت منظم آغاز می‌شود،

^۱. Ahmed, op. cit., p. 3.

^۲. Aggarwal and Yousef, op. cit., p. 105.

^۳. Ahmed, op. cit., p. 2.

در صورتی که در بانک اسلامی پرداخت اقساط منوط به اتمام پروژه و آغاز به کار آن است تا مشخص شود میزان بازده و سودآوری آن چقدر بوده و بر این اساس میزان سود قابل پرداخت به بانک محاسبه و مشخص شود. یعنی تا این زمان حتی مشخص نیست که آیا بانک از این سرمایه‌گذاری خود سود برده یا این که دچار ضرر شده است. هرچه سرمایه‌گذاری بلندمدت‌تر باشد، این عدم اطمینان و ابهام بیشتر خواهد شد. (ب) هرچقدر به بهره‌برداری رسیدن یک پروژه بلندمدت‌تر باشد، عواید و درآمد آن هم دیرتر به دست خواهد آمد. در این صورت بانک با سپرده‌گذاران و مشتریانی روبه‌رو است که نمی‌تواند تا سال‌ها سودی برای مشارکت‌شان بپردازد. این مسأله در مقایسه با بانک‌های متعارف که به محض سپرده‌گذاری مشتری، پرداخت سود به آنان را تضمین و آغاز می‌نماید، برای سپرده‌گذاران عدم مطلوبیت فراوانی ایجاد می‌کند و آنان را به سمت بانک‌های متعارف سوق می‌دهد. به همین دلیل است که بانک‌های اسلامی نمی‌خواهند یا به بیان دیگر نمی‌توانند در پروژه‌های بلندمدت، مشارکت و سرمایه‌گذاری نمایند.^۱

نتیجه‌گیری

در این تحقیق با زمینه‌های شکل‌گیری و اصول حاکم و عملکرد الگوی فعلی بانکداری اسلامی آشنا شدیم. قصد ما در این جا بررسی و نقد بانکداری اسلامی به طور کلی نبوده است، بلکه از آن‌جا که اساس الگوی کنونی بانکداری اسلامی بر نظام مشارکت در سود و زیان و دو عقد مضاربه و مشارکت استوار شده، بررسی عملکرد بانکداری اسلامی می‌تواند به معنای بررسی توفیق این دو عقد در صنعت تأمین مالی و سنجش میزان کارایی آن در نظام اقتصادی مدرن باشد. با بررسی عملکرد بانک‌های اسلامی و مقایسه آن با اصول ادعایی آن دانستیم که شکاف عمیقی بین نظریه‌ی بانکداری اسلامی و عملکرد آن در زمینه اجرای مضاربه و مشارکت به عنوان مبنای عملکردی این نظام وجود دارد. همچنین تلاش کردیم با استفاده از ابزارها و مفاهیم اقتصادی به دلایل این ناکامی پی ببریم و به این پرسش پاسخ دهیم که چرا بانک‌های اسلامی نمی‌توانند عقد مضاربه را اجرا کنند؟ درک نادرست از کل نظام اقتصادی و مالی مدرن و نیز ماهیت و

^۱ Ibid., p. 3.

کارکرد بانک، مهم‌ترین معضل الگوی کنونی بانکداری اسلامی است. در نتیجه‌ی این فهم نادرست، مشکلات فراوان دیگری به وجود می‌آیند که در نهایت باعث ناکارآمدی الگوی فعلی بانکداری اسلامی شده‌اند.

مضاربه و مشارکت مدنی، سازوکارهایی هستند که برای توسعه‌ی تجارت و غلبه بر دشواری‌های الگوی فردی تجارت در دوران ماقبل مدرن طراحی شده‌اند^۱؛ این سازوکارها امروزه هم در صورتی که شرایط و زمینه‌ی لازم، از جمله اعتماد متقابل کامل بین طرفین، وجود داشته باشد می‌توانند بین افراد و در چارچوب حقوق خصوصی مورد استفاده قرار گیرند. این نقش اما متفاوت است از نقش تأمین مالی شرکت‌ها و پروژه‌ها یا ارائه وام به افراد و مؤسسات برای کسب‌وکارهای تجاری که در اقتصاد مدرن وظیفه‌ی بانک و مؤسسات تخصصی سرمایه‌گذاری شمرده می‌شود. طراحان الگوی کنونی اقتصاد اسلامی تلاش داشته‌اند تا این نقش را با استفاده از عقود مشارکتی، در ساختار اقتصاد اسلامی شبیه‌سازی کنند. این نظام اما در عمل ناموفق بوده است. این عقود ظرفیت پذیرش نقش جدیدی که در الگوی فعلی بانکداری اسلامی برای آن‌ها تعریف شده را ندارند.

^۱ Harris, Ron, (2009) "The Institutional Dynamics of Early Modern Eurasian Trade: The Corporation and the Commenda", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 2009, p. 38; Cizakca, Murat, "Incorporated Cash Waqfs and Mudaraba, Islamic Non-bank Financial Instruments from the Past to the Future", MPRA Paper No. 25336: Osted 23, September 2010, p. 4, online at: <http://mpa.ub.uni-muenchen.de/25336/>

منابع

الف) منابع فارسی:

۱. اصغری، محمود "گذری بر اهداف بانکداری بدون ربا"، اندیشه حوزه، شماره ۵۳، سال ۱۳۸۴.
۲. ایزدی، حسین، مباحثی تطبیقی در مضاربه از دیدگاه فقهی، حقوقی و اقتصادی، قم: انتشارات احسن الحدیث، ۱۳۷۶.
۳. بهداد، سهراب، "انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی: اسلامی کردن اقتصاد در دانشگاه‌های ایران"، کنکاش، شماره سیزدهم، پاییز ۱۳۷۶.
۴. توتونچیان، ایرج، اقتصاد پول و بانکداری، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۵.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مضاربه، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۶. خان، محسن؛ و میرآخور، عباس، مطالعات نظری در بانکداری و عالیه اسلامی، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، مؤسسه عالی بانکداری ایران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۷. دادگر، یدالله، "توجهات معاصر پیرامون مسأله ربا"، نامه مفید، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۷۵.
۸. طیبیان، سیدمحمد، "تجربه دو دهه بانکداری اسلامی و چالش‌های پیش رو: ابعاد نظری، ساختاری و اجرایی"، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری ایران. چاپ اول، ۱۳۸۳.
۹. عباسی مقرب، محسن، قوانین و مقررات پولی و بانکی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۰. غنی‌نژاد، موسی، تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر، نشر مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
۱۱. غنی‌نژاد، موسی، "بررسی برخی نظریه‌های مربوط به بانکداری بدون ربا"، در: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۲. غنی‌نژاد، موسی، "تفاوت ربا و بهره بانکی"، نقد و نظر، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۷۶.
۱۳. غنی‌نژاد، موسی، "بحثی در مبانی معرفتی تفاوت ربا و بهره بانکی"، نقد و نظر، شماره ۱۶-۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.

۱۴. کوتر، رابرت؛ و تامس یولن، حقوق و اقتصاد، ترجمه یدالله دادگر و حامده اخوان هزاوه، دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
۱۵. مشرف جوادی، محمدحسین؛ و قوچی فرد، حمزه، "ریسک در بانکها و موسسات مالی اسلامی (با رویکردی بر ریسک قانونی)"، بررسی های بازرگانی، شماره ۳۸، آذر و دی ۱۳۸۸.
۱۶. موسویان، سیدعباس، "ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)"، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۷. موسویان، سیدعباس، "بانکداری بدون ربا از نگاه شهید صدر"، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۵.
۱۸. موسویان، سیدعباس، "نقد و بررسی قانون بانکداری بدون ربا"، اندیشه حوزه، شماره ۵۳، سال ۱۳۸۴.
۱۹. نیلی، مسعود، "مقایسه تطبیقی قانون عملیات بانکی بدون ربا با کارکردهای اقتصاد مدرن"، در: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

ب) منابع انگلیسی:

1. Abdul Gafoor, L. M. A., "Mudaraba-based Investment and Finance", 2001, available at: <http://www.islamicbanking.nl/article2.html>
2. Aggarwal, Rajesh K. and Tarik Yousef, "Islamic Banks and Investment financing", Journal of Money, Credit and Banking, Vol. 32, No. 1, Feb. 2000.
3. Ahmed, Mahmood, "Practice of Mudaraba and Musharaka in Islamic Banking", 2011, available at: http://www.ibtra.com/pdf/journal/v2_n1_article3.pdf
4. Ayub, Muhammad, "Understanding Islamic Finance", Wiley, 2007.
5. Ayub, Muhammad, "Interest, Mark up and Time Value of Money", 2004, available at: <http://www.sbp.org.pk/departments/ibd/InterestMarkUp.pdf>
6. Barenberg, Andrew, "Islamic Financing Impacts on Development and Equality", Oeconomicus, Volume VII, 2004-2005.
7. Cizakca, Murat, "Incorporated Cash Waqfs and Mudaraba, Islamic Non-bank Financial Instruments from the Past to the Future", MPRA Paper No. 25336: Osted 23, Septamber 2010, online at: <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/25336/>
8. Dowd, Kevin, "Moral Hazard and the Financial Crisis", Cato Journal, Vol. 29, No. 1, Winter 2009.

9. El-gamal, Mahmoud A., "Incoherence of Contract-based Islamic Financial Jurisprudence in the Age of Financial Engineering", *Wisconsin International Law Journal*, Vol. 25, No. 4, 2008.
10. El-gamal, Mahmoud A., "Islamic Finance: Law, Economics, and Practice", Cambridge University Press, 2006.
11. Harris, Ron, "The Institutional Dynamics of Early Modern Eurasian Trade: The Corporation and the Commenda", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 2009..
12. Hasan, Zubair, "Mudaraba as A Mode of Finance in Islamic Banking: Theory: Practice and Problems", 2002, MPRA Paper No. 2951: osted 07. November 2007, online at: <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/2951/>
13. Islamic Finance, A UAE Perspective, 2012, available at: www.emirates-banking.com
14. Kuran, Timur, "Islamic Economics and the Islamic Subeconomy", the *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 9, No. 4, Autumn 1995.
15. Leiss, Jonathan, *Islamic Economics and Banking in the Global Economy*, 2007.
16. Mannan, M. A., *Islamic Economics, Theory and Practice*, Idarahi Adabiyati Delli, Delhi, 1980.
17. Mathis, Klaus, *Efficiency Instead of Justice?*, translated to English by Deborah Shannon, Springer, 2009.
18. Nagaoka, Shinsuke, "Islamic Finance in Economic History: Marginal System or another Universal System?" A Paper presented at Second Workshop on Islamic Finance: What Islamic Finance Does (Not) Change, March 17th, 2010, EM Strasbourg Business School.
19. Nomani, Farhad, "The Problem of Interest and Islamic Banking in A Comparative Perspective: the Case of Egypt, Iran and Pakistan", *Review of Middle East Economics and Finance*, Vol. 1, No. 1, 2003.
20. Presley, John R. and John G. Sessions, "Islamic Economics: The Emergence of a New Paradigm", the *Economic Journal*, Vol. 104, No. 424, May, 1994.
21. Šrámek, Ondřej, "Islamic Economics: New Economic Paradigm, or Political Agenda?" *New Perspectives on Political Economy*, Vol. 5, No. 2, 2009.
22. Usmani, Mufti Muhammad Taqi, *An Introduction to Islamic Finance*, Karachi, 1998.
23. Veljanovski, Cento G., "Economic Principles of Law", Cambridge University Press, 2007.